

اندیشه‌ی سیاسی - ۱۸

نویسنده

جوانی جنتیله

مترجم

سهیل صفاری

سرچشمه‌ها و
کتاب‌های فاشیسم
با گزیده‌های از سایر آثار

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

سرچشمه‌ها و
دکترین فاشیسم
با گزیده‌هایی از سایر آثار

نویسنده
جواننی جنتیله

مترجم
سهیل صفاری

نشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / طراح جلد: باسم الرسام • حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید • چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۴۰۰ صفحه / قیمت: ۶۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۵۳-۹

نگاه معاصر
نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلات - فاز ۱ - مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.com

سرشناسه	جنتیله، جواننی ۱۸۷۸-۱۹۲۸	Gentile, Giovanni
عنوان و نام پدیدآور	سرچشمه‌ها و دکترین فاشیسم با گزیده‌هایی از سایر آثار / نویسنده جواننی جنتیله، مترجم سهیل صفاری	
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۱	
مشخصات ظاهری	۱۲۴ ص.	
شابک	978-600-5747-53-9	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا		
یادداشت	عنوان اصلی: The Ideology and Doctrine of Fascism: with Selections from Other Works, ©2002	
موضوع	فاشیسم - ایتالیا.	
موضوع	فاشیسم	
موضوع	ایتالیا - سیاست و حکومت - ۱۹۱۴-۱۹۴۵ م	
شناسه افزوده	صفاری، سهیل، ۱۳۶۱- مترجم	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۱ س ۴ ج ۹ / JN ۵۴۵۰	
رده‌بندی دیویی	۳۳۵/۶۰۹۴۵	
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۱۰۹۱۳	

فهرست

۵	پیشگفتاری به سرچشمه‌های فاشیسم
۱۳	سرچشمه‌ها و دکتر فاشیسم
۵۱	افزوده‌ها
۵۱	۱. فلسفه فاشیسم
۵۴	۲. قوانین شورای عالی
۶۵	گزینه‌هایی از «فاشیسم چیست؟»
۶۵	دو ایتالیا
۶۷	بقایای ایتالیای قدیم
۶۹	ماتسینی
۶۹	مفهوم ملت
۷۱	بازگشت فاشیسم به روح ریزورجیمنتو
۷۲	خشونت فاشیستی
۷۵	بربریت مکرر جاهلیت‌ها و یگو
۷۶	دکترین فاشیستی دولت
۷۷	دولت اخلاقی
۸۰	علیه اتهام دولت پرستی
۸۰	فاشیسم و طبقه کارگر
۸۱	فاشیسم مذهب است
۸۲	راهپیمایی رُم
۸۴	فاشیسم و دشمنانش
۹۰	فاشیسم و فرهنگ
۹۷	گزیده‌هایی از «اصلاحات آموزشی»
۹۷	شخصیت و مسأله آموزش
۱۱۰	تناقض بنیادین آموزش

پیشگفتاری بر ترجمه انگلیسی

ای. جیمز گرگور

یکی از بهترین لغت‌ها آن است که جوتیه، آگوستو دل نوچه، «Origini e dottrina del fascismo» جوتیه، که این‌جا ترجمه انگلیسی آن ارایه می‌شود، به عنوان «سندی با اهمیت بنیادین» به حساب می‌آید است. [۱]

در داوری دل نوچه، شرح تئوری جوتیه بر سرچشمه‌ها و دکترین فاشیسم، درک محتوای عقلانی، عاطفی و سیاسی آن حیاتی است.

تفسیر جوتیه در «سرچشمه‌ها» به وضوح برای مخاطب ایتالیایی نگاشته شده است. [۲] در نتیجه، زمینه تاریخی پشت این تفاسیر را حد زیادی برای خواننده انگلو-آمریکن ناشناخته است. چهره‌هایی چون آتونیو راسینی، ریچنسو جوپرتی و اوگو فوسکولو به کل برای خوانندگان انگلیسی زبان ناآشنا هستند. در میان شاید نام جیوشپیه ماتسینی کمی آشنا به نظر آید، اما تنها معدودی، اصول عقاید او را می‌شناسند. صرف نظر از همه این‌ها، شناخت شخصیت‌های ادبی، فلسفی و سیاسی خاص ایتالیا برای فهم تفسیر جوتیه بر سرچشمه‌ها و دکترین فاشیسم، چندان حیاتی نیست.

مدعای جوتیه این است که درگیری ایتالیا در جنگ جهانی اول با چند ویژگی مهم مشخص می‌شود: (۱) این درگیری ابتکار «اقلیتی راهبر» بود که موفق شدند عقاید خود را به توده‌ها القاء کنند، (۲) این نبرد برای کسب دستاوردهای مادی نبود. این مدعیات صحنه را برای توضیحات بیشتر آماده می‌کند.

«تاریخ» به باور جوتیه، «نه برساخته قهرمانان است و نه توده‌ها، بلکه حاصل کار قهرمان‌هایی است که تکانه‌های ناروشن و در عین حال قدرتمندی را که توده‌ها را به

جنبش درمی‌آورند، حس می‌کنند. [در ساختن تاریخ] توده‌ها فردی را می‌یابند که در شفاف‌سازی احساسات اخلاقی مبهم آن‌ها توفیق حاصل می‌کند. جهان اخلاقی، جهان توده‌هاست، توده‌ها با ایده‌های اداره می‌شوند و نیرو می‌گیرند که خصلت‌های دقیق آن تنها بر معدودی، یعنی «نخبه‌ها» پدیدار می‌شود، که آن‌گاه این‌ها، برای دادن صورت و حیات تاریخ، الهام‌بخش توده‌ها می‌گردند. [۳]

این تفسیر از دینامیک تحولات اجتماعی میان بیشتر متفکران اجتماعی مهم در ربع آخر قرن نوزدهم و ربع نخست قرن بیستم مشترک است. [۴] و جنتیله به اصالت این عقیده پیش از یک‌گیری فاشیسم باور داشت. او در جستارهایش برای مخاطب عام‌تر، در اوایل ۱۹۱۰ چنین صورت‌بندی‌ای را بیان کرده بود، یعنی پیش از ظهور آشکار جنبش فاشیست. [۵]

دومین مجادله‌ای که در صفحات آغازین «سرچشمه‌ها» می‌یابیم به انگیزه‌های مشترک ارجاع دارد که ناسیونالیست‌ها، سندیکالیست‌های انقلابی، فوتوریست‌ها و ایده‌آلیست‌های فلسفی را به هم پیوند می‌دهد. این انگیزه، با وجود «ایده‌آلی» بودن به عوض «مادی بودن»، دفاع از «انسان‌ها بر انبیا» و نه دفاع از «دموکراسی» در برابر رژیم‌های - «اقتدارگر»ی آلمان و اتریش هدف از مداخله در جنگ جهانی اول، له یا علیه آلمان، «رستگاری ایتالیا» بود، که آغاز آن به ریزش جیمتو، تلاش قرن‌نوزدهمی برای اتحاد شبه‌جزیره ایتالیا در یک ملت واحد، برمی‌گشت به باور جنتیله «ورود به جنگ ضروری بود تا عاقبت ملت به واسطه ریزش خون با هم متحد شوند» تنها این می‌توانست یک ملت حقیقی ایجاد کند که «ارج و رومی» جهان به دست بیاورد». هدف از مداخله ایتالیا در جنگ اول این بود که بالاخره در «تاریخ شرکت کند - تا یک بار دیگر تن به زیستن در «سایه دیگران» ندهد. [۶]

در نظر جنتیله، جنگ جهانی اول «دو روح» ایتالیای معاصر - تنهایی عمیق بخشید، یکی که استمرار تلاش‌های ریزش جیمتو را طلب می‌کرد و دیگری که به کردار ایتالیای قدیم متمایل بود - ایتالیای قدیم که موطن بلاغت صرف، انفعال، هوس‌بازی، اخلاق - ناباوری خودمحورانه و هرج و مرج بود. اولی ایتالیایی می‌خواست

۱. futurists: اعضای جنبش هنری و اجتماعی در ایتالیای اوایل قرن بیستم که تم‌های مرتبط با مفاهیم معاصر را که رو به آینده داشتند، تحسین می‌کردند. موضوعاتی همچون سرعت، تکنولوژی، جوانان، خشونت و آه‌هایی چون ماشین، هواپیما، شهرهای صنعتی. (م، ف)

متحد و منسجم و «جدی»، آن‌سان که خصلت مذهب است، و ملهم از ایمان. این «روحی» بود که جلال ملت را می‌خواست. جتيله آن «روح» را با اندیشه جیوسینیه ماتسینین^۱ مرتبط می‌ساخت.

جتيله به دنبال ایجاد یک تداوم مستقیم میان ریزورجیمتو و فاشیسم بود. این تلاش بود که در سراسر دوران فاشیسم استمرار یافت و در این عقیده متجلی شد که انقلاب فاشیستی یک انقلاب «محافظه‌کار» بود - به این معنا که عناصر انقلابی تحولات اقتصادی سیاسی مدرن ایتالیا را در قرن پیشین حفظ می‌کرد تا بر آن شالوده خود را بنا کند. [۷]

این کوشش آشکار، طرح‌ریزی شده بود تا چند مقصود را برآورد، یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارایه پاسخی به نگرانی‌های تندو کروچه^۲ بود که اعتقاد داشت فاشیسم چیزی نیست جز بازنمود گسست تاریخی در پیشرفت سیاسی «لیبرال ایتالیا». در زمانی که جتيله «سرچشمه‌ها» را می‌رشت، گروهی موضوعی شدیداً ضد فاشیستی اتخاذ کرده بود، و استدلال‌های او به کار گرفته شده با فاشیسم را «پراتزی» بی‌معنا در تاریخ ملت جلوه دهند. روشنفکران فاشیست استدلال می‌کردند که فاشیسم از روی عناصر پویای ایتالیایی قدیم برداشت شد - و یک پیام انقلابی را از بلوغ انقلابی شتابناک ایتالیایی بود. [۸] روشنفکران فاشیست از استمرار فاشیسم می‌پنداشتند و ضد فاشیست‌ها از گسست. این مجادله‌ای است که تا به امروز حل نشده باقی‌مانده است.

در این برداشت که ایتالیایی درست در آستانه جنگ و جدل اصلی پس از آن یک ملت تقسیم شده، اگر نه تجزیه شده بود، مناقشه‌ای نیست. این که «فاشیسم» وجود داشت، یکی «ماتسینین» (Mazzinian) و دیگری «ضد-ماتسینین» (anti-Mazzinian) عقیده‌ای رایج بود. جالب‌تر این که خود موسولینی هم، ظاهراً تحت تأثیر جتيله، که یک تمایز را پذیرفت - و در نهایت برای پشتیبانی نظرات خود به ایده‌های ماتسینین^۳ خوشامد شد. [۹]

گروه خوردن ایده‌های «ماتسینین» به فاشیسم تا به آن حد که فاشیسم را «ماتسینینی» می‌نامیدند، مرهون تفاسیر جتيله است. او در عقاید ماتسینین، ایده‌آلیسم فاشیستی را

۱. Giuseppe Mazzini (1872-1805): معروف به قلب تنده ایتالیا، سیاستمدار، ژورنالیست و فعال راه اتحاد ایتالیا بود. تلاش‌های او نقش اصلی را در اتحاد و استقلال ایتالیا چندپاره آن دوران بازی می‌کرد. به علاوه او نقش کلیدی در شکل‌گیری جنبش اروپای مدرن برای «دموکراسی عمومی در جمهوری‌ها» داشت.
۲. Benedetto Croce (1952-1866): فیلسوف ایده‌آلیست و سیاستمدار برجسته و یکی از سرشناس‌ترین لیبرال‌های ایتالیایی. (م. ف.)

می‌دید، فراخوانی به رسالت ملی، اخلاقیاتی تمام‌وقت، جدیت در راه هدف. دین‌خویی، ضد فردگرایی، اتحاد توتالیتار، تعهد ایثارگرانه به وظیفه و مرکزیت دولت - همه نیازمندی‌های کاربردی برای ملتی در روند توسعه اقتصادی و صنعتی دیر هنگام در اوایل قرن بیستم، در محیط بین‌الملل تحت تسلط ثروت‌سالاری (Plutocracy) سروری طلب، [۱۰]

چیک از این‌ها دشوارفهم نیست. ما شاهد مواضع اجتماعی و سیاسی مشابهی هستیم که از سوی جنبش‌ها و رژیم‌های انقلابی در گستره‌ای عظیم اتخاذ شد، از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، تا اروپای شرقی، خاورمیانه و آسیا و اقیانوسیه و در آفریقا. آن‌ها این جنبش‌ها را متمایز می‌کند، اصرار آن بر «رهایی» و «آزادی» به عنوان قانون پیشه فاشیستی است.

انگلو-آمریکایی‌ها از یک اندوه روشنفکرانه عجیب رنج برده‌اند: آنان حاضر بوده‌اند این سیستم را بپذیرند که مارکسیست-لنینیست‌ها - پایه‌گذاران شماری از تمامیت‌خواه‌ترین نظام‌های سیاسی قرن بیستم - خود را حقیقتاً متعهد به دسته‌ای اعتقادات همچارین اثباتی (Positive) همچون برابری، دموکراسی و آزادی می‌دانند. انگلو-آمریکایی‌ها حاضر نبودند این احتمال را در نظر بگیرند که روشنفکران فاشیست هم به عقاید مشابهی باور دارند.

روشنفکران غربی آماده‌اند این بحران را پیش بکشند که رهبران آن نظام‌های توتالیتار به روشنفکران مارکسیست-لنینیست خیانت کردند. حاضر نیستند چنین استدلالی را در باب روشنفکران فاشیست متعهد به دین ایدئولوژیک مطرح کنند: روشنفکران مارکسیست-لنینیست خیانت شده بودند؛ روشنفکران فاشیست، در یک کلام، دروغ‌گو، فریبکار و شاید.

حقیقت آن است که جنتیله «آزادی» و «رهایی» را باورهای متضاد دکترین فاشیسم می‌دانست. ما شاید بر آن باشیم که فاشیسم به چنان ارزش‌های بی‌ایمانت کرد، لیکن نمی‌توانیم بر این پای بفشاریم که این مفاهیم مورد مذاقه روشنفکران فاشیست نبوده‌اند. جنتیله استدلال می‌کند که دولت فاشیستی اساساً «دموکراتیک» و مبتنی بر «رهایی» است برای جنتیله، تشکیک در انگاشت‌های رایج از واژه‌ها مشروع بود.

در نظر او، تنها وقتی که فرد کاملاً با جامعه، و تجلی آن، دولت، همذات‌پنداری کند، آزادی و دموکراسی راستین ممکن است. همانند مارکسیست-لنینیست‌ها، جنتیله باور داشت که خارج از روابط چندوجهی شکل گرفته با دیگران در اجتماع، فرد غیر

واقعی، محدود و غیر آزاد است. فرد برای جنتیله، در اساس، یک وجود همگانی (Gemeinweser) است. آزادی و دموکراسی کامل برای چنان مخلوقی تنها در همانستی (Identity) با اجتماع ظهور می‌یابد (در ادبیات جنتیله، در همانستی با ملت و تجلی سیاسی آن یعنی دولت). چگونگی دستیابی به آن همانستی، در آثار فلسفی فنی جنتیله تبیین شده است. [۱۱] برای این ترجمه (انگلیسی) شرحی غیر فنی (غیر تخصصی) از جنتیله از کتاب *Lariforma dell'educazione* (اصلاحات آموزشی) او انتخاب شده است که طبع آن «آزادی» ابتدایی و نااندیشیده دانش‌آموزان، در اتحاد با «اقتدار» یک تعلیم‌گر دانا به «راستی» راست تصدیق می‌یابد.

برای اهل‌السلوک و لیکن‌ها که دسترسی محدودی به ادبیات ایتالیایی دوران فاشیسم دارند، مهم است که هرگز به موسولینی اذعان داشت که جنتیله پایه عقلانی هنجارین برای فاشیسم فرسوده و بی‌بهره و بی‌بهره همه اعتراض‌ها، از جانب فاشیست‌ها و ضد فاشیست‌ها و غیر فاشیست‌ها را بر جای جنتیله عاقبت غالب شد. برای موسولینی، جنتیله فیلسوف فاشیسم بود. [۱۲]

جنتیله پاسخی به آن حکمت‌پایانه رایج بود که فاشیسم را ضد عقلانی، غیر منطقی، بی‌فکر و غیر انسانی می‌دانست. با اندازه غیر انسانی بودن، بی‌فکری و انحراف که به حق بتوان به فاشیسم نسبت داد نمی‌تواند پیامد نبود یک دکترین هنجارین متقاعدکننده و به خوبی بیان شده باشد. در هر چهار فاشیسم در مقام یک دکترین، لاجرم آن‌گونه می‌توان رفتار کرد که رودرروی هر یک از فاشیسم به عنوان یک دکترین انجام گرفته است. باید بی‌طرفانه و عینی‌نگرانه، آشکار کرد که در هیچ اعتبار هر مجموعه‌ای از اندیشه سیاسی باید، آن‌را بررسیید.

فراهم آوردن ترجمه‌ای از کلی «سرچشمه‌ها و دکترین فاشیسم» برگزیده‌هایی از «فاشیسم چیست» و «اصلاحات آموزشی» با هدف به دست دادن بیننده و بهترین فاشیسم، دین این دکترین به اندیشه جوانی جنتیله و امتداد آن به زمان پیش از ظهور فاشیسم، انجام گرفت. چنان‌که در جایی دیگر بحث شد، فاشیسم از درون استیصال و تحقیر ایتالیایی‌ها سر برآورد از مدت‌ها قبل‌تر موضوع ادعاهای دموکراسی‌های صنعتی پیشرفته بود. [۱۳] فاشیسم پایه عقلانی و هنجارین خود را در تفکرات جوانی جنتیله یافت.

برخی آزادی‌ها در ترجمه به کار گرفته شد و تلاشی صورت نگرفت که سبک

نوشتاری بدیع جنتیله حفظ شود - سبکی گاه باروک و گاه سینوپتیک.^۱ در عوض امید است که ترجمه برای خوانش و فهم، نسبتاً آسان باشد - و این که درستکارانه چیزی از جوهره ایده‌های جنتیله را منتقل کند. [۱۴] افزوده‌ها درون پرانتز و حاشیه‌نویسی‌ها در یادداشت‌های انتهایی آمده است تا برخی موضوعات درون متن را مستدل‌تر و روشن‌تر نماید. بانوشت‌ها وفق اصل ایتالیایی ارایه شده است.

ارجاعات

1. Augusto Del Noce, Gioranni Gentile: fer una interpretation filosofica dell' Storia Contemporanea (Bolonya: Il mulino, 1952), p. 360.
۲. جنتیله آثار دیگری هم پس از خروجی‌ها ارائه کرد، «فلسفه فاشیسم» و «Dottrina Politica del fascismo» که برای «در بیان فعالیت و دکترین فاشیستی برای خارجی‌ها» در دانشگاه پادوا مهیا شد.
3. Giovanni Gentile, Dottrina politica del fascismo (Padna: CEDAM, 1937) p. 18.
4. See A. James Gregor, The Ideology of Fascism: The Rationale of Totalitarianism (New York: Free Press, 1959), Chap. 1.
5. Giovanni Gentile, Dopo la Vittoria: Nuovi frammenti politico (Rome: La Voce, 1920), pp. 5-8.
۶. در پایان تجربه فاشیسم، از موسولینی نقل شد که فاشیسم «آتش» برای پایان دادن به ۱۸ «قرن تجاوز و بدبختی... بندگی، مناقشه داخلی و جهل بود».
- Benito Mussolini, Testamento Politico di Mussolini (Rome, Pedanese, 1948), p. 33.
7. S. Scelvio Franzio, La stato fascista (Bologna: L. Cappelli, 1925), pp. 21-30.
8. See Niccolino Volpe, Italia in cammino (Rome: Volpe, 1973), pp. 7-24 and 30-31.
9. Del Noce, Gioranni Gentile, pp. 300, 330.
10. See A. James Gregor, Italian Fascism and Developmental Dictatorship (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1979).
۱۱. شماری از آثار به انگلیسی در دسترس هستند که به فهم فلسفه فنی جنتیله یاری می‌رسانند. در آن میان:

H. S. Harris, The Social Philosophy of Gioranni Gentile (Urbana: University of Illinois Press, 1960); Roger W. Holmes, The Idealism of Gioranni Gentile (New

- York: Macmillan, 1937); Pasquale Romanelli, *The Philosophy of Gioranni Gentile: An Inquiry into Gentile's conception of Experience* (New York: Birnabum, 1973); and A. James Gregor, *Gioranni Gentile: Philosopher of Fascism* (New Brunswick, NJ: Transaction Publishers, 2001).
12. Del Noce, *Gioranni Gentile*, pp. 310, 312, 323; See Yvon De-Begnac, *Palazzo Venezia: Storia di un regime* (Roma: La Rocca, 1950), pp. 540, 541, 619, 641 and Gisella Longo, *L'Istituto nazionale fascista di Cultura: Gli intellettuali tra Partito e regime* (Rome: Antonio Pellicani, 2000), Chap. 1.
 13. See A. James Gregor, *phoenix: Fascism in our time* (New Brunswick, NJ: Transaction Publishers, 1999), Chap. 2.
 14. Two major works of Gentile are available in English: *Giovanni Gentile, The Theory of Mind as Pure Act* (New York: Macmillan, 1922) and *Gentile's Mind and Structure of Society* (Urbana: University of Illinois Press, 1960).